



یادداشت

بیانیه‌ای که محکوم به شکست است بابک زنجانی نماد مشروعیت فساد رسمی در حکومت اسلامی

صادق کار



کشف و توقیف ۱۳ کیلو طلا در فرودگاه خمینی که توسط یکی از عوامل بابک زنجانی وارد کشور شده بود، در دوم شهریور و بحث‌هایی که حول آن به جریان افتاد بار دیگر نام و موقعیت بابک زنجانی را به یکی از مسائل این هفته تبدیل کرد.

بعد از درز کردن خبر توقیف محموله ۱۳ کیلویی طلا رئیس کل گمرک علت توقیف محموله توسط زنجانی متهم سابق محکوم به اعدام به دلیل اختلاس اقتصادی کلان را غیر قانونی و بدون اخذ مجوز طلا‌ها عنوان کرد و سپس بابک زنجانی در یک ویدئو کلیپ قاچاق بودن طلا را تکذیب و توقیف آن را غیر قانونی خواند و افزود او قبلاً یک تن طلا وارد کشور کرده و قصد اش عرضه مستقیم طلا با قیمت جهانی به مردم و مقابله با گران فروشی طلا توسط دولت بوده است و من بعد نیز این کار را خواهد کرد.

اینکه بابک زنجانی می‌تواند بقول خودش تا یک تن طلا وارد کشور نماید و زنجیره‌ای از موسسات پولساز اقتصادی بیشتر خدماتی و تجاری را با وجود محکومیت اش به اختلاس کلان تاسیس نماید محال است توانسته باشد دست به این اقدامات زده باشد و چنین بی‌مهابا از فسادهای اقتصادی کلان خود علناً و طلبکارانه دفاع کند بدون پشت گرمی به یکی از جناح‌های قدرت غیر ممکن است. نشان گرفتن از این جناح هم کار سختی نیست. از بررسی و پیگیری پرونده بابک زنجانی از بازداشت تا محکومیت به اعدام و بخشودگی و دادن مجوز به وی برای پهن کردن دوباره بساط فساد معلوم می‌شود که نیروهای امنیتی، دستگاه قضایی و بخش وسیعی از محافظه کاران پشتیبان اصلی بابک زنجانی هستند که پس از چلانیدن و تصاحب بخشی از ثروت‌های غارت شده زنجانی از "بیت المال" و به خدمت گرفتن وی او را آزاد و به وی اجازه داده‌اند در ازای شریک شدن در فعالیت‌های اقتصادی وی بساط فساد اقتصادی خود را احیا و بگسترانند.

جناح دیگر حکومتی که در این بازی بازنده شده و بازی را به طرف قدر خود باخته است، حالا دارد تلاش می‌کند جلوی تثبیت موقعیت زنجانی را که در خدمت رقیب قرار گرفته بگیرد. برخورد گمرک و بانک مرکزی نه بخاطر جلوگیری از فساد بلکه بخشی از رقابت بر سر سهم خواهی از تاراج چند میلیارد یرویی بابک زنجانی است. کما اینکه خود بابک زنجانی هم گفت قوه قضاییه با توقیف طلاها موافقت نکرده، اما نهاد تعزیرات حکم توقیف طلاها را صادر کرده است.



تعداد غارتگران و اختلاسگران در جمهوری اسلامی البته لیست بلند بالایی را شامل می شود که بابک زنجانی تنها یکی از مهره درشتهای آن است که در اثر رقابت باندهای مافیایی غارتگر حکومتی بخشی از غارت وی از پرده بیرون افتاده است.

اما در این درگیری ها چیزی که پنهان می شود، منشا و علل ثروت هایی است که بابک زنجانی آس و پاس در دوره جوانی را ظرف مدت کوتاهی به چنان ثروت و قدرتی رسانده است که می تواند در مقابل نهادهای رسمی دولتی سینه سپر کند، از فساد، ثروت و قدرتی که بواسطه آن به دست آورده دفاع کند و طلبکار هم باشد. هم از این رو ست که کسی مایل نیست به منشا ثروت نجومی زنجانی که هیچ شک و شبهه ای در مورد فساد آمیز بودن آن نیست پردازد. دعوایی که این روزها در این خصوص به جریان افتاده نه در مورد فساد بل که بر سر سهم خواهی است.

اگر قرار باشد پرسش از کجا و آورده ای به میان کشیده شود و مبنای رسیدگی به ثروتهای نا مشروع قرا گیرد در آن صورت پای هر دو جناح گیر و نقش آنها در ساختاری شدن و مشروع شدن این نوع ثروت اندوزی زیر سوال می رود.

پدیده بابک زنجانی در واقع حاکی از همه گیری و مشروع شدن کسب ثروت از طریق فساد و اختلاس و رانت در نظامی است که همه ی جناح های آن از صدر تا ذیل شب و روز از عدالت و مبارزه با فساد دم می زنند و به عبث تلاش می کنند بر فساد مسلط بر سیستم سرپوش بگذارند. وجود همین فساد منشا فقر و بی عدالتی و عقب ماندگی و قرار گرفتن کشور در معرض نابودی است. طلب اصلاح و انتظار مبارزه با فساد از سوی رژیمی که رهبران آن سراپا غرق در فساد هستند مانند انتظار از چاقو برای بریدن دسته خودش است. بهمین جهت اولین گام برای برچیدن بساط فساد، برچیدن بساط این نظام فاسد و جهنمی است

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

تحول اندیشه در باره فقر: بررسی تعاملات بخش هیجدهم

Lyn Squire و لین اسکوائر Ravi Kanbur نوشته راوی کانبور



جشن پیروزی در مبارزه با فقر



۵ آسیب‌پذیری و صدا

۵.۱ پرسیدن از تهدستان - ادامه

شواهد تجربی در مورد همپوشانی میان این شاخصهای فقر و شاخص مبتنی بر مصرف زیاد نیستند. تنها مطالعه ای هم در این باره، که به آن استناد بسیاری می‌شود، "منابع مالکیت مشترک و دینامیک فقر روستایی در نواحی خشک هند" از جودها (Jodha) است، که یافته های آن توسط مور، چودهاری و سینگ مورد تردید قرار گرفته اند. جودها ادعا کرده بود که اکثریت خانوارهایی که در فاصله سالهای ۱۹۶۳-۶۶ تا ۱۹۸۲-۸۴ در دو روستا در راجستان، حداقل پنج درصد کاهش درآمد را تجربه کرده بودند، گزارش داده بوده اند که بر اساس چند معیار دیگر - مانند نیاز کمتر به توسل به راهبردهای اضطراری کسب درآمد - وضعیت بهتری داشته اند.

مور و همکارانش اشاره می‌کنند که در این دوره، بسیاری از خدمات عمومی بهبود یافته بودند. برای نمونه، آب آشامیدنی لوله کشی فراهم شده بود. آنها همچنین در مورد شواهد مربوط به کاهش درآمد خصوصی تردید وارد می‌کنند. مور و همکاران به صراحت اعلام کردند که "هیچ مدرک و شاهد قانع کننده ای وجود ندارد که نشان دهد فقرا ارزش بسیار بالایی برای استقلال، احترام یا خودمختاری فردی قائل اند، اگر قرار باشد". این ارزشها در برابر غذا، هنگامی که گرسنگی حاکم است، قرار گیرند.

از آنجا که آسیب پذیری و ناتوانی به روشنی از نظرسنجیهای مشارکتی پدیدار می‌شود، یکی از راه ها برای سنجیدن این که آیا شاخصهای متعارف فقر با شاخصهای مبتنی بر آسیب پذیری یا ناتوانی همخوانی دارند، این است که بپرسیم آیا نظرسنجیهای متعارف و نظرسنجیهای مشارکتی، افراد یکسانی را به عنوان فقیر شناسایی می‌کنند یا خیر. برای نمونه در سه منطقه از کنیا می‌توانیم یافته های نظرسنجی مشارکتی سال ۱۹۹۵ را که از روش "رتبه بندی ثروت"* استفاده می‌کرد، با یافته های نظرسنجی ملی "پایش رفاه" سال ۱۹۹۲ که مبتنی بر خط فقر شناخته شده بود، مقایسه کنیم. هر جا که نمونه گیری خوشه ای با دقت انجام شده بود (مشروط به این که خشکسالی در سالهای میانی تأثیر جدی بر منطقه نگذاشته بود)، برآوردهای فقر از نظرسنجی مشارکتی عملاً با برآوردهای نظرسنجی ملی یکسان درآمدند. در منطقه بومت، دو برآورد به ترتیب ۶۴ درصد (مشارکتی) و ۶۵ درصد (ملی) بود؛ در بوسیا، هر دو ۶۸ درصد، و در نیامیرا، هر دو ۵۴ درصد بودند.

هرچه نقاط مقایسه بیشتری در دسترس قرار گیرند، نتیجه ای که نمونه کنیا نشان داده بیشتر تأیید یا اصلاح خواهد شد. یک مقایسه جالب از تحقیقات میدانی در لوگازی در اوگاندا به دست آمده است. نویسندگان پرسشنامه ای را میان ۳۸۴ خانوار اجرا کردند و مجموعه ای از نشستهای مشارکتی اجتماعی را در سراسر لوگازی با حضور بین ۵۰ تا ۲۲۵ نفر برگزار کردند. هدف هر دو اقدام، سنجش تمایل به پرداخت برای سطوح بهبود یافته خدمات آب و فاضلاب بود. نتایج در کل مشابه بودند. برای نمونه، نظرسنجی خانوار نشان داد که یک سوم خانوارها در قیمت مشخص به شبکه آب لوله کشی متصل می‌شوند، در حالی که نشستهای اجتماعی نشان دادند که یک چهارم آنها ممکن است چنین کنند. نویسندگان استدلال می‌کنند که این تفاوتها از دیدگاه سیاستی چندان مهم نیستند. با این حال، آنها خاطرنشان می‌سازند که این دو رویکرد به نمونه‌هایی با ویژگیهای اجتماعی-اقتصادی متفاوت معناداری انجامیدند، زیرا با وجود استفاده از "بهترین شیوه ها" در هر دو مورد، نمونه گروه های متفاوتی از افراد مورد مشورت قرار گرفتند. این نتایج هم راه را



نشان می‌دهند و هم نیاز به پژوهشهای بیشتر را برای شناسایی قوتها و ضعفهای نسبی رویکردهای مختلف، و نیز بهترین شیوه‌های استفاده از نظرسنجیهای متعارف و رویکردهای مشارکتی را عیان می‌سازند.

یک روش کیفی در مطالعات اجتماعی و توسعه روستایی است، که (Wealth Ranking) "رتبه بندی ثروت" * در آن اعضای یک جامعه (مثلاً روستاییان) بر اساس درک و شناخت خودشان، خانوارها یا افراد را از نظر وضعیت اقتصادی - اجتماعی در چند گروه یا طبقه قرار می‌دهند: فقیر، متوسط، ثروتمند

نه به جنگ و استبداد آری به صلح و آزادی

تجاوز دولتهای جنایتکار اسرائیل به ایران را محکوم می‌کنیم

دفاع از حقوق و اعتراض به مجازات جمعی معلمان کردستان وظیفه‌ای است همه گانی و درنگ ناپذیر

صادق



اخیرا و در ادامه اعمال فشارهای سرکوبگرانه به معلمان تعداد زیادی از معلمان کرد بطور دسته جمعی بخاطر فعالیت صنفی به مجازات های مختلفی از اخراج و محرومیت از شغل آموزگاری، بازنشستگی اجباری موقت و دائم تا تنزل رتبه اداری، محکوم شده‌اند

اعمال چنین مجازات های برای اعضای شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگیان و فراتر از آن محکوم کردن اعضا و رهبران این تشکل به زندانهای تا ۱۰ سال پیش از این، البته امر تازه‌ای نیست بعضی از محکومین اخیرا بعد از گذراندن مدت محکومیت شان از زندان آزاد شده‌اند. قبل از اعمال این مجازاتها ی فاقد دلیل و مدرک واقعی تعدادی از رهبران تشکلهای صنفی معلمان در کردستان بارها به مجازات زندان محکوم شده‌اند. اما مجازات های اخیر که بصورت جمعی برای تعداد زیادی از معلمان در یک منطقه معین مانند کردستان در نظر گرفته شده و اعمال شده است اگر بی سابقه نباشد کم سابقه است و در نوع خود بار تبعیض آمیز دارد

تشکلهای فرهنگیان تشکلهای ریشه داری هستند با سابقه فعالیت های ارزنده و تاثیر گذار نه تنها در میان معلمان بل که در جامعه، از همین رو همیشه تحت فشار و سرکوب حکومت مستبد که دشمن نهادهای سندیکایی مستقل و دموکراتیک است قرار داشته و دارند. با این حال شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران که نقش اتحادیه معلمان را پیدا کرده است از میان همه ی سرکوبها سربلند و سر زنده بیرون آمده و تلاشهای دستگاه سرکوب موفق نشده آنها را منحل یا به خدمت بگیرد



این نهاد سندیکایی در حال حاضر مهمترین تشکل از نوع خود در کشور محسوب می شود که موقعیت کنونی خود را بواسطه مبارزات گذشته اش کسب کرده است و دلیل پایداری آن پایبندی به استقلال و پیگیری مطالبات و حقوق معلمان و همراهی و همسویی با نهادها و جنبش ها دمکراتیک کسب کرده است.

تلاش در راه تثبیت و اجرای آموزش رایگان و همه گانی، رفع تبعیض آموزشی، بهبود کیفیت و امکانات آموزشی، تطبیق کتابها، دروس و روشهای نوین آموزشی با نیازهای امروز جامعه بر اساس دست آوردهای علمی تازه، تلاش برای برخورداری دانش آموزان غیر فارس از آموزش به زبان مادری، مخالفت با خصوصی سازی بخش آموزش مبارزه با فقر به عنوان یکی از موانع آموزش از اهداف دیگر این نهاد مردمی و دمکراتیک هستند که در کنار مبارزه صنفی این تشکل پیگیرانه در هر شرایطی از آنها دفاع و برای عملی شدنشان مبارزه کرده است. بخش زیادی از این فعالیتها به عنوان وظیفه حاکمیت در قانون اساسی پیشبینی و در بعضی از برنامه های پنج ساله حکومت نیز وعده انجام شان داده شده. بنا بر این نه فعالیت صنفی در قانون اساسی خود حکومت ممنوع شده و نه تلاش برای موارد نامبرده جرم تلقی شده که این همه معلم زحمتکش و دلسوز را بخاطر مبارزه برای اجرای شان محکوم به زندان، تبعید، اخراج... کرده اند. این تشکلهای بخاطر تلاش برای اجرای برخی از مواد اجرا نشده قانون اساسی باید بجای مجازات تشویق می شدند، نه مجازات.

چندی پیش یکی از سربازان گمنام امام زمان گمنامی را رها کرد و در یک کلیپ ویدئویی تشکلهای معلمان را به همدستی با احزاب (تجزیه طلب) که گویا توسط آنها بوجود آمده اند متهم کرد. این مامور امنیتی یا نمی دانست که تشکلهای صنفی معلمان ده ها سال است که تشکیل شده و فعالیت دارند و حتی سابقه تشکیل و فعالیت آنها به ده ها سال قبل از انقلاب و پیش از تاسیس خیلی از احزاب که وی آنها را به تجزیه طلبی متهم کرد بر می گردد و یا قصدا برای توجیه سرکوب بیشتر آنها این کار را می کرد. قبلا نیز دستگاه های امنیتی جنبش های کارگری و اعتراضی دمکراتیک را به وابستگی به امریکا متهم می کردند و هر مبارزه آزادیخواهانه ای را با این اتهام واهی سرکوب می کردند. موضعگیر روشن و صریح این نهادها در جریان جنگ ۱۲ روزه ساختگی بودن این اتهامات را بر ملا کرد. اکنون با افشای بی اساس بودن این اتهامات عوامل دستگاه های سرکوبگر و امنیتی که دیگر نمی توانند از اتهامات پیشین برای سرکوب نهادهای دمکراتیک و مترقی بهره بگیرند به دنبال ابداع اتهامات تازه برای سرکوب این تشکلهای و مانع تراشی بر سر راه فعالیت آنها هستند. علت آن هم روشن است، این نهادها دنبال آزادی و عدالت هستند و از حقوق مردم که از سوی حکومت پایمال شده و می شود دفاع کرده و برای احقاق این حقوق آن تلاش و فعالیت می کنند. این ها چیزهایی نیستند که حکومت مستبد و سرمایه سالار و فاسد تحمل آن را داشته باشند. آری علت توطئه چینی ها و بستن اتهامات ساخته و پرداخته شده در تاریخ خانه ها علیه نهاد های دمکراتیک و مترقی همین هاست. بنا بر این عجیب نیست که در اوج تسخیر نهادهای امنیتی توسط جاسوسان و نفوذی های اسرائیلی سرکردگان این نهاد که از یافتن شبکه های جاسوسی اسرائیل در مانده اند برای گمراه کردن افکار عمومی به تشدید سرکوب نیروهای دمکراتیک روی بیاورند. دست بر قضا اقداماتی مانند سرکوب معلمان چه آگاهانه باشد، چه از روی حماقت دقیقا به سود اهداف اسرائیل و امریکا است.

حمله به تشکلهای معلمان به بهانه تازه از مدتی پیش بلافاصله بعد از تجاوز نظامی اسرائیل و امریکا در حال تدارک بوده است و اخراج و مجازات جمعی معلمان که از کردستان کلید خورده می تواند سرآغاز حملات دیگری به معلمان در مناطق دیگر باشد.



همه مردم دیدند که هیچ کدام از تشکلهای معلمان، کارگران و نهادهای مدنی دیگر نه تنها از تجاوز اسرائیل حمایت نکردند بلکه با آن اعلام مخالفت کردند و حمله را محکوم کردند.

اما مقصود از این اتهامات ناروا بی اعتبار شدن و شکست اتهامات پیشین و به ثمر نرسیدن سرکوب تشکلهای معلمان است. بی شک رهبران و اعضای تشکلهای صنفی معلمان از توانایی لازم برای بی اثر کردن اتهامات کاذب و به شکست کشاندن پروژه های جدید سرکوب از خود دفاع کنند و آنها را مانند پروژه های پیشین به شکست بکشاند.

سرکوبگران این را هم باید بدانند که سرکوب تشکل های معلمان در شرایط کنونی به دلیل رشد و آگاهی و تجربیات جامعه به آسانی گذشته نیست و معلمان، اولیای دانش آموزان، دانش آموزان، کارگران، نهادهای مدنی و مردمی بیش از پیش در مقابل سرکوب معلمان ایستادگی و با آن مقابله خواهند کرد. با این همه محکوم کردن این اقدامات و دفاع از حقوق معلمان وظیفه ای است همه گانی و درنگ ناپذیر. تنها با اعتراض گسترده به این احکام و حمایت از حقوق معلمان مجازات شده است که می شود با آن مقابله کرد و مانع بر سر سرکوبهای بعدی ایجاد کرد بنا بر این هر نهاد و شهروند به هر شکلی که می تواند باید در کارزاری که هم اکنون علیه اعمال مجازات دسته جمعی معلمان به راه افتاده شرکت و آن را تقویت نماید.

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

گسترش بی وقفه اعتراضات، نتیجه فشارهای معیشتی و سیاسی است

ع امید



خبرگزاری ایلنا در میانه این هفته با مقایسه ای که بین ارزش نان با حداقل دستمزد انجام داد نوشت:

حداقل دستمزد روزانه کارگران در سال جاری، براساس مصوبه رسمی شورای عالی کار، ۳۴۶ هزار تومان " است؛ این حدود دستمزدی است که با کمی افزایش، به بیشتر کارگران فصلی و روزمزد در ازای یک روز کامل کار پرداخت می شود؛ با این حساب، دستمزد مصوب در شورای عالی کار، برابر با پول ۷ نان سنگک "خشخاشی است؛ در واقع کارگر یک روز کامل کار می کند تا فقط نان خالی بخرد



تنها دو روز بعد از انتشار این گزارش قیمت دلار که بالا رفتن نسبت آن با ریال نقش تعیین کننده‌ای در افزایش کالاهای، خدمات و هزینه‌های زندگی دارد از ۹۶ هزار تومان به بیش از ۱۰۷ هزار تومان پرش کرد و متعاقب آن یکی از اعضای اتاق بازرگانی پیشبینی کرد قیمت دلار به ۱۶۵ هزار تومان در سال جاری برسد.

گزارشاتی نیز در مورد افزایش قیمت نان، برنج، میوه و تورم از یک سو و کاهش تولیدات کشاورزی و صنعتی منتشر شد که نوید روزهای بهتری را نمی‌دهند. همچنین اعلام شد دولت به رغم تأیید افزایش هزینه‌های زندگی با افزایش دستمزدها موافقت نکرده است و نگفته است تکلیف میلیون‌ها مزد بگیر که هر روز در تامین معیشت و هزینه‌های زندگی درمانده‌تر از پیش می‌شوند چه باید بکنند. بدتر از آن دولت به بهانه حذف ثروتمندان از شمول دریافت یارانه نقدی یارانه بسیاری از کارگران را که بیش از ۱۸ میلیون تومان دریافتی ماهیانه داشتند را نیز قطع کرد و تامین اجتماعی نیز بخش عمده هزینه دارو را به خود بازنشستگان سپرد. هزینه آب و برق نیز تا دو برابر افزایش داده شد. و روز گذشته نرخ تورم رسمی به ۷۰ درصد رسید که البته کمتر از نرخ واقعی باید باشد.

در چنین حال و هوایی کارفرماها نیز به بهانه افت درآمد در اثر قطع برق و افزایش هزینه‌های تولید، حقوق و حق بیمه‌های کارگران را گرومی گیرند و سعی می‌کنند از طریق فشار به کارگران از حکومت امتیاز بگیرند و هر کس را که اعتراض می‌کند از کار اخراج و در کارخانه داماش حتی پس از کتک زدن کارگری که تنها گنااهش در خواست پرداخت دستمزد ماه‌های گذشته‌اش بود اخراج کردند. در پتروشیمی رازی نیز که در اعتصاب بسر می‌برد جلوی ورود تعدادی از کارگران به کارخانه را گرفتند. طبیعی بود که این همه فشار چند لایه از سوی دولت و کارفرمایان به تشدید اعتراضات منجر بشود و موج تازه‌ای از اعتراضات فزاینده کارگری با وجود همه ی فشارها و تهدید به راه بیفتد و در پتروشیمی رازی اعتصاب ۱۹ روزه بر پا شود و شاهد گسترده‌ترین و بی سابقه ترین اعتراضات در میان کارکنان رسمی در هفته‌های اخیر باشیم. نا رضایتی در میان بازنشستگان و کارکنان دولت نیز در هفته‌های اخیر رشد کرده است.

امتناع دولت و مجلس از تصویب قانون " طرح ساماندهی کارکنان دولت" پس از یک کش و قوس ۷ ساله، نیز قطعاً اعتراضات دیگری را رقم خواهد زد.

وقوع این اعتراضات که روز به روز تعدادشان هم بیشتر و مطالبات شان سیاسی تر می‌شود، از یک سو و چشم انداز تیره و تاریک اوضاع سیاسی و اقتصادی از سوی دیگر و ادامه سیاست مشت آهنین در مقابل اعتراضات مطالباتی معیشتی و سیاسی مرتبط با آن نمی‌تواند مانع از گسترش بیشتر اعتراضات و مبارزات کارگران شود. اعتراضات تنها گسترده تر نشده بلکه متنوع تر هم شده است و اشکال تازه‌ای پیدا کرده است. به تازگی اعتراض متقاضیان مسکن نیز که اکثر کارگر و کارمند هستند و سالهاست در نوبت مسکن بسر می‌برند نیز در چندین شهر به اعتراض برخاسته‌اند. در بعضی مناطق نیز اعتراضاتی توسط روستائیان که نگران آسیب رساندن معادن به مزارع شان هستند در جریان است. این گونه اعتراضات که از حمایت و همراهی فعالان حامی محیط زیست برخوردار است دارند بیشتر می‌شوند و حاکی از گسترش اجتماعی و متنوع‌تر شدن اعتراضات است.

محرك گسترش اعتراضات در واقع بیش از همه حکومت و کارفرمایانی هستند که به سود بالا و کارگر ارزان عادت کرده و از درک پیامد رویکرد های خود عاجز اند. گسترش و تداوم اعتراضات کارگری علیه فقر و ستمگری می‌تواند سایر گروه‌های زحمتکش دیگر را بخصوص حاشیه نشینان و کسبه و صنعتگران کوچک و متوسط، دانشجویان، زنان محروم شده از حقوق شان را به میدان مبارزه فعال بکشانند و فعال شدن این



گروه ها اگر درست سازمان پیدا کند، با توجه به نارضایتی گسترده ی که در جامعه وجود دارد، اجماع این گروه ها با هم می تواند بساط حکومت مستبد و ستمگر را از بیخ و بن بر چیند و زمینه را برای تشکیل نظامی دموکراتیک و عادلانه که شرط لازم برای رهایی از وضعیت غیر قابل تحمل کنونی است فراهم کند



یاد صمد_بهرنگی

(شهریور ۱۳۴۷ رود ارس ۹_تیر ۱۳۲۸ تبریز ۲)

معلم، داستان نویس، پژوهش گر، مترجم و شاعر

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

آثار بهرنگی

داستانها: عادت، تلخون، ماهی سیاه کوچولو، اولدوز و کلاغها، اولدوز و عروسک سخنگو، کچل کفتر باز، افسانه محبت، پسرک لبو فروش، یک هلو و هزار هلو، کوراوغلو و کچل حمزه، ۲۴ ساعت در خواب و ...بیداری

نوشتارها پاره پاره (مجموعه شعر از چند شاعر)

...کندوکاو در مسائل تربیتی ایران، افسانه های آذربایجان، الفبا ویژه کودکان آذربایجان و مجموعه مقاله ها و

برگردان ها -عزیز نسین ! ما الاغ ها

...کلاغ سیاه- مامین سبیریاک و

منبع : کانال کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

مایکروسافت چهار کارمند دیگر خود را به دلیل اعتراض علیه اسرائیل اخراج کرد



گروه اعتراضی «بدون نرم افزار آזור برای آپارتاید» روز چهارشنبه در بیانیه ای اعلام کرد که آنا هاتل و ریکی فاملی پیام های صوتی دریافت کردند که به آنها اطلاع می داد که اخراج شده اند



به گزارش ایلنا و به نقل از خبرگزاری الجزیره قطر، شرکت مایکروسافت اعلام کرد: اخیراً چهار نفر از نیروهای این شرکت در جریان اعتراضات اخراج شدند؛ اعتراض در این شرکت به استفاده ارتش اسرائیل از نرم افزارهای این شرکت در غزه صورت گرفته است.

مایکروسافت اعتراف کرد چهار کارمند خود را که در اعتراضات در محل شرکت به دلیل روابط این شرکت با اسرائیل شرکت کرده بودند، اخراج کرده است، از جمله دو نفر از این اخراج شدگان، این هفته در تحصن در دفتر مرکزی شرکت در واشنگتن حاضر بودند.

گروه اعتراضی «بدون نرم افزار آזור برای آپارتاید» روز چهارشنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد که آنها هاتل و ریکی فاملی پیام‌های صوتی دریافت کردند که به آنها اطلاع می‌داد که اخراج شده‌اند.

این گروه روز پنجشنبه افزود که دو کارمند دیگر، نسرین جرادات و جولیوس شان، نیز اخراج شده‌اند. آنها از جمله تظاهرکنندگانی بودند که اخیراً در دفتر مرکزی مایکروسافت برای اعتراض به حمایت این شرکت از اسرائیل در جنگ علیه غزه، چادر زده بودند.



اعتراض به سرکوبگران همبستگی با کارگران تحت ستم

در شش شهریور شاهد اتفاقی در پتروشیمی رازی بودیم که قلب همه ما کارگران در صنعت نفت را به درد آورد و آتش خشم را به جانمان کشید. آنهم اقدام جواد راشدی و احمد عساکره دو همکار معترض ما به خودکشی در برابر قلدریهای مدیریت بود.

آنها به کسر مبلغی از حقوق کارگران که روز قبلش انجام شده بود و ممنوع الوردی خود به شرکت اعتراض داشتند و از شدت خشم و اعتراض بخاطر زورگویی های مدیریت با صعود به بالای پایپراک (خط لوله مرتفع انتقال مواد) دست به چنین کاری زدند.

در پی این اقدام از سوی جواد راشدی و احمد عساکره و فضای متشنجی که شرکت پیدا کرده بود، فوراً آتش نشانی و وکیل شرکت در محل حاضر شدند و بعد هم فرماندار ماهشهر به شرکت آمد و بعد از گفتگو با این کارگران و لغو ممنوع الوردی آنان و بازگردانده شدن مبلغ کسر شده از حقوقها و نیز با درخواست همکاران سرانجام این دو عزیز از بالای پایپراک به پایین منتقل شدند.

این اتفاقات تا همین جا برای ما کارگران در نفت و در همه مراکز کارگری یک هشدار است.

از همین رو قاطع تر از هر وقت اعلام میکنیم که در برابر این بردگی و زورگویی ها کوتاه نمی آییم و همچنان ایستاده ایم.



همانطور که قبلا گزارش کرده بودیم اعتصاب همکاران ارکان ثالث در پتروشیمی رازی در چهارم شهریور ماه پس از نوزده روز موقتا پایان یافت. این تصمیم بدنبال نشستی صورت گرفت که نمایندگان از همکاران با مسئولان فرمانداری و نماینده مجلس در ماهشهر و مدیران شرکت در آن حضور داشتند و وعده هایی مبنی بر افزایش مبلغ پتروکارت و برخی مزایای دیگر داده شد. نماینده مجلس هم قول پیگیری توافقات را داد.

اما همزمان با این وعده و وعیدها برای هفتاد و پنج همکار معترض ما در این مجتمع احضاریه قضایی ارسال شد. بعلاوه اینکه پرداخت حقوق مرداد ماه نیز به تعویق افتاد و پنج نفر از همکاران نیز ممنوع الورد شده بودند.

بدنبال این خلف وعده ها و اقدامات سرکوبگرانه که با همراهی فرمانداری و اداره کار ماهشهر صورت میگیرد و تشدید فشار های امنیتی در این مجتمع بود که فضای انفجاری بر شرکت حاکم شد و زیر فشار چنین شرایطی شاهد اتفاق تلخ روز ششم شهریور ماه و اقدام به خودکشی دو همکارمان احمد عساکره و جواد راشدی بودیم.

همانطور که اشاره کردیم این اتفاقات برای ما کارگران نفت خط قرمز است و ما امضا کنندگان این بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، ضمن محکوم کردن زورگویی ها و سرکوبگریهای مدیریت مجتمع پتروشیمی رازی در همراهی با مشتکی دیگر از مسئولین چپاولگر استانی اولتیماتوم داده و اعلام میکنیم که بدانید در برابر فشارها و تهدیدات امنیتی شما هرگز کوتاه نمی آیم و عزم ما راسخ تر میشود.

بدانید که از زندگی و معیشتمان سرسختانه دفاع میکنیم و اکنون در آستانه انقلاب مهسا با صدای رساتری فریاد میزنیم "زن زندگی آزادی"، فریاد میزنیم: "غنی سازی زندگی حق مسلم ماست" و فریاد میزنیم "نه به زندان، نه به اعدام، زندگی، زندگی" و خطاب ما به همکاران پتروشیمی رازی اینست:

عزیزان ما در کنارتان هستیم. یک مطالبه سراسری همه ما کارگران ارکان ثالث، پروژهای و حجمی و همکارانی که استخدامشان رسمی است اما چماق اخراج و زندان بالای سرشان قرار دارد، کوتاه شدن دست پیمانکاران مفتخور است.

عزیزان نوزده روز متحد ایستادید. با همین اتحاد توانستید جان دو همکار عزیزمان را که از فشار معیشت و زورگویی جانشان به لب رسیده بود نجات دهید و آنچه امروز در مجتمع پتروشیمی رازی میگذرد نشان میدهد که باید با صفی متحدتر با مدیریت ظالم و چپاولگران حاکم مقابله کنیم.

قدرت ما در اتحاد مبارزاتی ماست. تجربه ما میگوید که مجمع عمومی آن جایی است که میتواند صف ما را متحد نگاهدارد و با خرد جمعی گامهای حساب شده ای بسوی موفقیت برداریم و تشکیل آن امروز در مجتمع شما حیاتی است. ما را پشتیبان خود بدانید.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

شهریور ۱۴۰۴ ۷



در تظاهرات بازنشستگان هفت تپه مطرح شد:

فقط کف خیابون به دست میاد حقمون

می جنگیم ، می میرم، حقمون و می گیرم

وعده وعید کافیه، سفری ما خالیه

نه مجلس نه دولت، نیستند به فکر ملت

بیمارستان ملکی، حق مسلم ماست

راهپیمایی و تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوش یکشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۴ در گرمای بالای ۵۰ درجه

اعتراض به به بازداشت معلمان و بازنشستگان در کردستان، گیلان و خوزستان، و در اعتراض به ادامه بازداشت شریفه محمدی کارگر زندانی، در اعتراض به فقر، فلاکت و نداری، اعتراض به گرانی و تورم، اعتراض به دستمزدها های ناچیز و نامناسب، اعتراض به نبود امکانات بهداشتی و درمانی مناسب و رایگان، اعتراض به عدم آسایش و امنیت، اعتراض به سرکوب و بازداشت فعالین، اعتراض به تبعیض، ستم، دزدی و غارت و چپاول، اعتراض به نابرابری ها

نابود باد بندگی، زنده باد زندگی



محمد حسن پوره، معلم زندانی پس از پایان محکومیت یک ساله از زندان آزاد شد

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران آزادی ایشان را به جامعه فرهنگی، فعالان صنفی و خانواده ایشان تبریک می گوید و خواهان آزادی تمامی زندانیان صنفی، مدنی و سیاسی می باشد

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران



تجمع همکاران شرکت نفت فلات قاره منطقه لاوان و سکوهایش



شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری

روز دوشنبه دهم شهریور همکاران شاغل ما در شرکت نفت فلات قاره منطقه لاوان و سکوهایش و روز گذشته همکاران ما در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری جهت پیگیری خواسته‌های پاسخ نگرفته خود تجمع کردند.

اهم مطالبات همکاران رسمی عبارتند:

حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰، پرداخت بک-پی ماده ۱۰، عدم تفکیک ۳ گانه‌ی مشاغل عملیاتی، بازنگاری اساسنامه‌ی تحمیلی صندوق بازنشستگی

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>